

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.
این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY: 4 است.

فرزند به مثابه هزینه اقتصادی، کاوشی کیفی از بسترهای اقتصادی کم‌فرزند در شهر اصفهان

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

DOI:10.22034/jeds.2025.65617.1845 شناسه دیجیتال:

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶

سحر رضایی^{۱*}
علی روحانی^۲
عباس عسکری ندوشن^۳
ملیحه علی‌مندگاری^۴

چکیده

در سال‌های اخیر کاهش باروری در ایران و آثار و پیامدهای بالقوه آن در کانون توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است. هدف مطالعه حاضر، واکاوی نقش هزینه‌های اقتصادی در درک زوجین از فرزندآوری و نهایتاً جهت دادن تصمیم‌های آنان به کم‌فرزند است. برای این منظور، با استفاده از رویکرد کیفی و روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای با رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین و نمونه‌گیری نظری، ۳۰ مصاحبه عمیق شامل ۱۵ مصاحبه با زوجین بی‌فرزند (یکی از زوجین) که حداقل ۳ سال از ازدواج‌شان می‌گذرد و ۱۵ مصاحبه با زوجین تک‌فرزند (یکی از زوجین) که به‌طور ارادی تصمیم به بی‌فرزند و تک‌فرزند گرفته‌اند، انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود و تحلیل داده‌ها به شیوه کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت گرفته است. بر پایه یافته‌های میدانی این پژوهش، ۷۶ مفهوم، ۲۸ مقوله فرعی، ۱۲ مقوله اصلی و یک مقوله هسته استخراج شد. مقولات اصلی تحقیق شامل مسئله گرانی و تورم، نارسایی درآمدی، اجاره‌های سرسام‌آور، بی‌ثباتی شغلی، نارضایتی از وضع موجود، بی‌ثباتی اقتصادی، اتمسفر نااطمینانی پایدار، کمال‌گرایی در تأمین نیازهای فرزند، ترس از چالش‌های اقتصادی فرزندآوری، فرزند به مثابه هزینه، هزینه‌های سرسام‌آور زندگی و بسترهای اقتصادی فرزندزا می‌باشد و مقوله هسته مستخرج از مقولات اصلی «فرزند در معنای هزینه، بسترهای اقتصادی فرزندزا» بر ساخت شد. اقتصاد، فرهنگ، و باور پایه‌های اصلی ترغیب خانواده‌ها به فرزندآوری هستند که اگر به شکل رضایت‌آمیزی تأمین شوند مکانیزم‌های اجتماعی تولیدمثل و بقا جامعه را بازتولید و حفظ خواهند کرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تعداد مطلوب فرزندان زوجین متأثر از شرایط زندگی و اقتصادی آن‌هاست و افزایش نرخ باروری منوط به ایجاد تغییرات در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی به نحوی است که فرزندآوری زوجین را تسهیل کند. بدیهی است که مقاله حاضر ادعا ندارد که با تقلیل‌گرایی، هزینه‌های اقتصادی را تک علت کم‌فرزند معرفی نماید. چراکه رفتار کم‌فرزند، دارای ابعاد متعدد اجتماعی، فرهنگی، روانشناختی است و دامنه تأثیر این ابعاد و عوامل در بین گروه‌ها و لایه‌های اجتماعی مختلف می‌تواند بسیار متفاوت باشد. پیچیدگی مضاعف دیگر تصمیم‌های رفتاری در زمینه فرزندآوری، آن است که خواسته‌ها، دیدگاه‌ها و محدودیت‌های دست‌کم دو نفر (زن و شوهر) در شکل‌دهی به آن مؤثر است.

واژگان کلیدی: مشکلات اقتصادی، فرزندآوری، زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند، نظریه زمینه‌ای، شهر اصفهان.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران در دانشگاه یزد، یزد، ایران.
۲. دانشیار جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران، (نویسنده مسئول)، ایمیل: aliruhani@yazd.ac.ir
۳. استاد جمعیت‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران، ایمیل: aaskarin@yazd.ac.ir
۴. دانشیار جمعیت‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، یزد، ایران، ایمیل: m.alimondegari@yazd.ac.ir

مقدمه

در حال حاضر، باروری در اکثر نقاط ایران از جمله در شهر اصفهان، پایین‌تر از حد جانشینی است و ایده‌آل‌های فرزندآوری پایین نیز در جامعه شایع است. کاهش نرخ باروری به زیر سطح جانشینی نگرانی‌هایی را در مورد آثار بلندمدت این کاهش در کشور برانگیخته است. یکی از دلایل این کاهش تغییر رفتار زوجین در فرزندآوری در دو دهه اخیر بوده است. افزایش جمعیت سالمندی و کاهش نیروی جوان جامعه بحران همه‌گیر جهانی است و حالا این معضل، در سطح سیاستگذاری برای آینده ایران نگران‌کننده می‌نماید. افزایش نیروی جوان و مولد جامعه یکی از موضوعات مهم دهه‌های اخیر است. بسیاری از کشورها، با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود سعی در حفظ و افزایش نیروی جوان و کاهش بحران سالمندی جامعه دارند.

در نیمه دوم قرن بیستم، جهان شاهد تغییرات جمعیتی در مقیاس چشمگیری بود. باروری از میزان پنج فرزند برای هر زن در سطح جهان به ۲/۷ فرزند رسید (ویلسون^۱، ۲۰۰۱: ۱۵۵). بخشی از این تغییرات گسترده و چشمگیر، تحت‌تأثیر جهانی‌شدن نگرش‌ها و رفتارهای باروری رقم خورد (کالدول^۲، ۲۰۰۶: ۲۶۱). بر پایه آخرین برآوردهای جمعیتی، در سال ۲۰۱۹ تقریباً نیمی از جمعیت جهان در کشورهایی با باروری زیر سطح جانشینی زندگی می‌کردند (UN-DESA, 2019). در واقع، در بسیاری از کشورهای جهان باروری زیر سطح جانشینی، امروزه به موضوع مهمی در حوزه عمومی و تغییر سیاست‌های جمعیتی کشورها تبدیل شده است (عسکری‌ندوشن و رازقی‌نصرآباد، ۱۴۰۲).

ایران از جمله کشورهایی است که فرآیند و مراحل گذار باروری را طی مدت کوتاهی تجربه کرده است. برآوردهای انجام شده از روند تحولات باروری در ایران حاکی از آن است که شاخص میزان باروری کل از حدود ۷/۷ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۴۵، به حدود ۷ فرزند در سال ۱۳۵۹، و سپس به سطح جانشینی در آغاز دهه ۱۳۸۰ کاهش یافته است (عباسی‌شوازی و همکاران^۳، ۲۰۰۹). از آن زمان تاکنون، یعنی از حدود دو دهه قبل به این‌سو، رقم باروری کل در ایران کمتر از دو فرزند-موسوم به باروری پایین‌تر از سطح جانشینی- بوده است (علمیرادیان و همکاران ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲). برپایه برآوردها، در طول دهه ۱۳۸۰، میزان باروری کل در ایران، در حوالی رقم ۱/۸ فرزند به ازای هر زن روند نسبتاً ثابتی را طی نمود. سپس در نیمه اول دهه ۱۳۹۰ اندک افزایشی را تجربه می‌کند و تا سال ۱۳۹۵ به نزدیکی سطح جانشینی بازمی‌گردد، ولی با کاهش مجدد به ۱/۷ فرزند به ازای هر زن، این دهه را به پایان می‌برد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱؛ عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۹۹).

1. Wilson

2. Caldwell

3. Abbasi-Shavazi & et al.

کاهش باروری به زیر سطح جانشینی و تداوم آن در دهه‌های اخیر، نگرانی‌هایی را در رابطه با بازتولید جمعیت ایران و پیامدهای آن در حوزه عمومی و نیز در سطح سیاست‌گذاری برانگیخته است. به‌طوری‌که از سال‌های آغازین دهه ۱۳۹۰ چرخش به سمت سیاست‌های تشویقی فرزندآوری در چارچوب ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت کشور توسط مقام معظم رهبری در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۳ مورد توجه قرار گرفت. با این اوصاف، اکنون نزدیک به یک دهه است که سیاست‌های کلی جمعیتی در ایران تغییر کرده و به دنبال آن، قانون جوانی جمعیت و حمایت از خانواده نیز که در آبان سال ۱۴۰۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، هم اکنون در حال اجرا است. علی‌رغم چرخش در سیاست‌های جمعیتی کشور به سمت سیاست‌های تشویقی فرزندآوری و تلاش‌های صورت گرفته در این راه، علائم موفقی از ارتقاء محسوس در سطح باروری کشور هنوز قابل مشاهده نیست.

زمینه‌ها و شرایط اقتصادی جامعه به‌طور کلی و خانواده‌ها به‌طور خاص، همواره یکی از تعیین کننده‌های مهم باروری بوده است (شرعیاتی و همکاران، ۱۳۹۹، خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۱، افشانی و همکاران، ۱۴۰۱). در سال‌های اولیه قرن بیستم با افزایش صنعتی شدن، رشد اقتصادی، افزایش شهرنشینی و سایر تحولات موسوم به گذار جمعیتی^۱، میزان‌های باروری در بسیاری از کشورهای دنیا کاهش یافت و تداوم این جریان، برخی را به وجود ارتباط معکوس بین درآمد و باروری متقاعد کرد (میرزایی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۵؛ کریگر^۲ ۱۹۹۷؛ هاجسون و واتکینز^۳ ۱۹۹۷)، اما از سال‌های ۱۹۸۰ به بعد، بخشی از مطالعات جمعیتی مجدداً به اقتصاد باروری توجه کرده و اذعان کرده‌اند که تصمیمات و رفتارهای باروری از میان سایر عوامل، در پاسخ به محرک‌های اقتصادی شکل می‌گیرد. به این معنا که، افراد در پاسخ به مسائل و مشکلات اقتصادی بیش از زمان‌های وفور و رونق اقتصادی ازدواج را به تأخیر می‌اندازند، تصمیمات باروری مبتنی بر تعویق یا فاصله‌گذاری بیش‌تر اتخاذ می‌کنند و یا فرزندان کمتری به دنیا می‌آورند (بکر^۴ ۱۹۶۰). به‌عنوان مثال، آرسال و گلدستین^۵ (۲۰۱۰) در مقاله خود استدلال کرده‌اند که شرایط اقتصادی در مقایسه با ۳۰ سال گذشته نقش برجسته‌تری در تعیین رفتارهای باروری یافته‌اند. همچنین، در ادبیات جدید اقتصاد و باروری، مشخصاً بر ناامنی اقتصادی^۶ به‌عنوان یک عامل بالقوه مؤثر در روندهای کاهش باروری و باروری پایین بسیاری از مناطق دنیا تأکید شده است (عباسی‌شوازی و خانی، ۱۳۹۳: ۳۵؛ شمس‌قهفرخی و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۴۰۰).

این مطالعه به دنبال شناسایی بسترهای اقتصادی است که انتخاب‌های زوجین را به سوی بی‌فرزندی و کم‌فرزندآوری جهت می‌دهد. به نظر می‌رسد که طی دهه‌های اخیر مشکلات

1. Demographic transition
2. Kreager
3. Hodgson and Watkins
4. Becker
5. Örsal & Goldstein
6. Economic Insecurity

اقتصادی، فشارهایی را بر زندگی خانوادگی بسیاری از زوجین ایرانی وارد نموده است. همزمان، بالا رفتن سطح انتظارات و افزایش هزینه‌های پرورش و بزرگ کردن فرزندان در سبد هزینه‌های اقتصادی خانوار، سبب تجدیدنظر دست‌کم گروه‌هایی از زوج‌های ایرانی در انگیزه‌ها و تصمیم‌های فرزندآوری‌شان شده است. به‌گونه‌ای که کم‌فرزندآوری را به‌منزله یک استراتژی کاهش هزینه‌ها و مدیریت سبد هزینه‌های اقتصادی خانوار خود در بلندمدت مدنظر قرار داده‌اند. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که بسترهای اقتصادی چگونه انگیزه‌ها و رفتارهای فرزندآوری زوجین را بر ساخت می‌کند؟

ادبیات پژوهش

از لحاظ نظری، بعضی صاحب‌نظران به‌طور خاص تبیین‌هایی در مورد کاهش فرزندآوری ارائه کرده‌اند. گروهی از تبیین‌ها از قبیل تئوری‌های اقتصادی نیز ضمن توجه نسبی به علائق و ترجیحات افراد، نقش تعیین‌کننده عوامل مادی و اقتصادی را مهم‌تر می‌بینند. از جمله گری بکر، برندهٔ جایزهٔ نوبل اقتصاد، در کتاب رساله‌ای دربارهٔ خانواده (۱۹۸۱)، که یکی از آثار پیشگامانه در زمینهٔ استفاده از نظریه‌های اقتصادی برای تحلیل زندگی خانوادگی است، از اصول اقتصاد خرد برای بررسی تصمیم‌گیری‌های خانواده‌ها در مورد ازدواج، فرزندآوری، آموزش و تقسیم کار درون خانواده استفاده می‌کند. بکر تلاش می‌کند تا نشان دهد چگونه رفتارهای خانوادگی را می‌توان با استفاده از منطق اقتصادی و نظریه انتخاب عقلانی توضیح داد. وی در اثر خود حول چند مفهوم توضیحات خود را ارائه می‌کند.

۱- ازدواج به عنوان یک بازار کار

بکر استدلال می‌کند که ازدواج یک نهاد اقتصادی است که در آن افراد به دنبال همسری هستند که بیشترین «سودمندی» را برایشان داشته باشد (شامل خوشبختی، ثبات مالی، موقعیت اجتماعی و غیره). او مفهوم «جفت‌گیری گزینشی» را مطرح می‌کند که بیان می‌کند افراد معمولاً با کسانی ازدواج می‌کنند که ویژگی‌های مشابهی مانند سطح تحصیلات، درآمد و پیشینهٔ اجتماعی دارند.

۲- تخصصی‌سازی درون خانواده

در خانواده سنتی، بکر معتقد است که مردان و زنان در کارهای مختلف تخصص پیدا می‌کنند؛ مردان در بازار کار و زنان در امور خانه و تربیت فرزندان. او ادعا می‌کند که این تقسیم‌بندی، کارایی اقتصادی را افزایش می‌دهد، اما تغییرات اجتماعی (مانند افزایش اشتغال زنان) می‌تواند

این نقش‌ها را تغییر دهد. از نظر او رفتارهای باروری یک زیربنای اقتصادی دارد و افراد به فرزند به عنوان یک کالای بادوام نگاه می‌کنند. وی استدلال می‌کند که یکی از مؤلفه‌های اصلی هزینه فرزندان، هزینه زمان مادر است؛ بنابراین با افزایش دستمزد زنان، هزینه‌های کودکان افزایش می‌یابد که منجر به کاهش باروری یا تأخیر در آن می‌شود.

۳- باروری و سرمایه‌گذاری بر فرزندان

بکر با استفاده تحلیل هزینه - فایده به فرزندآوری می‌پردازد و می‌گوید که خانواده‌های ثروتمند معمولاً فرزندان کمتری دارند اما روی کیفیت تربیت و آموزش آن‌ها بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنند. او مفهوم «مبادله کمیت و کیفیت»^۱ را مطرح می‌کند، یعنی هرچه هزینه پرورش یک کودک (مثلاً هزینه‌های تحصیل) افزایش یابد، والدین ممکن است ترجیح دهند فرزندان کمتری داشته باشند اما سرمایه‌گذاری بیشتری بر آن‌ها انجام دهند. او معتقد است هزینه‌های تربیت فرزند شامل آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، نیازهای مادی و سرمایه‌گذاری عاطفی است. در جوامعی که آموزش و پرورش پیچیده‌تر و پر هزینه‌تر شده، والدین اغلب ترجیح می‌دهند فرزندان کمتری داشته باشند اما فرصت‌های بهتری برای رشد آن‌ها فراهم کنند.

۴- نوع دوستی والدین و انتقال بین نسلی

والدین برای فرزندانشان فداکاری می‌کنند، اما بکر این رفتار را از منظر اقتصادی تحلیل کرده و آن را نوعی سرمایه‌گذاری در نسل‌های آینده می‌داند. او همچنین به چگونگی انتقال ثروت و سرمایه انسانی (مهارت‌ها، آموزش) از والدین به فرزندان می‌پردازد. او بیان می‌کند که والدین در تصمیمات اقتصادی خود، نه تنها به رفاه شخصی‌شان، بلکه به رفاه فرزندانشان نیز فکر می‌کنند.

۵- طلاق و فروپاشی خانواده

بکر طلاق را نیز از منظر اقتصادی بررسی کرده و آن را نتیجه مقایسه هزینه‌ها و منافع ازدواج می‌داند؛ یعنی زمانی که سود مورد انتظار از ادامه زندگی مشترک کمتر از مجرد بودن شود، طلاق اتفاق می‌افتد. او معتقد است که تغییر در قوانین طلاق و افزایش توانایی اقتصادی زنان از دلایل مهم افزایش نرخ طلاق در جوامع مدرن است. به‌طور کلی می‌توان گفت این اثر تأثیرات زیادی بر مطالعات مدرن اقتصاد خانواده گذاشته است، اما از سوی برخی منتقدان مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا عوامل احساسی، فرهنگی و اجتماعی را کمتر در نظر گرفته است. همچنین، بکر در مقاله مشهور خود به نام «تحلیل اقتصادی باروری» (۱۹۶۰)، به تبیین اقتصادی رفتار باروری خانواده‌ها پرداخته است. وی بر این باور است که رفتار باروری خانواده‌ها تابع رفتار اقتصادی

1. Quantity-Quality Trade-off

آن‌هاست. در این تئوری فرزند به عنوان کالای مصرفی در نظر گرفته می‌شود که تصاحب آن مستلزم صرف پول و زمان از سوی والدین است

بکر و لوئیس (۱۹۷۳) در ارتباط با کنش متقابل بین کمیت و کیفیت کودکان بیان می‌کنند که در رفتار مصرف، این احتمال وجود دارد که به جای افزایش تقاضا برای کالاهای سطح پایین‌تر، افزایش سطح درآمد باعث افزایش تقاضا برای کالاهای برتر شود. در مورد رفتار فرزندآوری، والدین با درآمد بالاتر ممکن است فرزندان بیشتری نخواهند. در عوض، ممکن است برای هر کودک پول بیشتری خرج کنند تا کیفیت فرزندان را بالا ببرند. با توجه به این تغییر از کمیت به کیفیت، افزایش درآمد همیشه منجر به افزایش تعداد فرزندان یک زوج نمی‌شود (بوئر و وارد^۱، ۱۹۷۹؛ مینسر^۲، ۱۹۶۳).

یکی از نظریه‌هایی که بر روی ناامنی اقتصادی تأکید می‌کند، تئوری اجتناب از خطر^۳ است. نظریه اجتناب از خطر از نظریه انتخاب عقلانی و اقتصاد جدید خانوار ریشه می‌گیرد (فیوری و همکاران^۴، ۲۰۱۳). به زعم بکر (۱۹۶۰) افراد در تصمیم‌گیری برای اینکه بچه داشته باشند یا نه، مزایا و هزینه‌های داشتن فرزند اضافی را سبک‌سنگین می‌کنند. بر این اساس، افراد دانش یا درک مناسبی از هزینه‌ها و منافع داشتن فرزند اضافی ندارند. نظریه اجتناب از خطر بُعد بی‌اطمینانی اقتصادی را به فرایند تصمیم‌گیری اضافه می‌کند. مطابق با این نظریه، تعهدات بلندمدتی چون ازدواج و والدین شدن، مستلزم حدی از ثبات شغلی یا دورنمای واقع‌بینانه شغلی و امنیت اقتصادی است. لذا، ناامنی‌های اقتصادی و درآمدی حاصل از بی‌ثباتی مشاغل بر نیت و رفتار باروری اثر منفی و اجتناب‌ناپذیری دارند. به عبارت دیگر، به خاطر بی‌اطمینانی زندگی‌نامه‌ای^۵ که این مسائل با خود به همراه می‌آورند، باعث تأخیر یا حتی چشم‌پوشی از باروری می‌شوند و افراد در شرایط ناامن اقتصادی سرمایه‌گذاری بر روی اموری چون تحصیلات، دستیابی به بازار کار، ساعت‌های طولانی کار و پس‌انداز - که موجد امنیت اقتصادی هستند را در فکر می‌پروراند (عباسی‌شوازی و خانی، ۱۳۹۳: ۳۹؛ عباسی‌شوازی و همکاران ۱۳۹۹). مک‌دونالد^۶ (۱۹۹۶، ۲۰۰۲، ۲۰۰۶) یکی از محققانی است که به بسط این نظریه پرداخته است. به اعتقاد او، جهانی شدن و افزایش سریع سطح تحصیلات، توقعات اقتصادی خانواده‌ها، به ویژه جوانان را بالا برده است. به‌طور همزمان، رقابتی‌شدن بازار کار منجر به تغییرات گسترده‌ای در درآمدها و ثبات شغلی آنان شده است. تجربه بالای بیکاری افراد با پس‌اندازهای پایین و فقدان موقعیت در بازار کار رقابتی و

1. Butz & Ward

2. Mincer

3. The Risk Aversion Theory

4. Fiori, Rinesi, Pinnelli & Prati

5. Biographical Uncertainty

6. McDonald

افزایش احساس ناامنی همراه است. قرار گرفتن در این شرایط به شدت احساس ریسک را بالا برده و در این وضعیت، افراد مسیرهایی (مانند تحصیلات و تجربه بازار کار) را دنبال می‌کنند که با ریسک کمتری همراه بوده و مسیر مناسبی برای اجتناب از خطر به شمار می‌رود. بنابراین، در حالی که تشکیل خانواده و فرزندآوری هدف عمده‌ای برای اکثر مردم است، در سرمایه‌داری جدید مبتنی بر فرصت‌ها و ریسک‌های موجود، تاحدی تمایل به آن کاهش می‌یابد در نتیجه، باروری واقعی، پایین‌تر از ترجیحات و امیال فرزندآوری قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از صاحب‌نظران اقتصادی که به تحلیل رفتارهای فرزندآوری توجه نشان داده است، ریچارد ایسترلین^۱ (۱۹۷۶) است. ایسترلین معتقد است که فاصله بین انتظارات و واقعیات اقتصادی یا شکاف بین آمال و منابع^۲ موجود برای برآوردن این آرزوها می‌تواند رفتارهای اقتصادی و از جمله رفتارهای فرزندآوری افراد را به‌طور معنی‌داری تحت تأثیر قرار دهد (فردمن^۳، ۱۹۷۶). به‌گونه‌ای که زوجین دارای درآمدهای ناکافی برای برآوردن سلابی (کالاهای مصرفی) خود، می‌توانند از طریق محدود کردن بُعد خانواده، منابع موجودشان را امتداد دهند. ایده اساسی در نظریه ایسترلین آن است که اگر مردان جوان نان‌آوران بالقوه خانوار، امکان به‌دست آوردن پول کافی برای استقرار زندگی ایده‌آل و واقعی خود یا همسران آینده را آسان ببینند، پس ازدواج کرده و به فرزندآوری تشویق خواهند شد. از طرف دیگر، اگر به‌دست آوردن پول کافی برای پشتیبانی از سبک مطلوب و مدنظر زندگی سخت باشد، فشار اقتصادی موجود منجر به تعویق ازدواج خواهد شد، و برای آن‌هایی که هم‌اکنون ازدواج کرده هستند، منجر به استفاده از وسایل پیشگیری برای اجتناب از فرزندآوری و شاید تحریک زنان برای ورود به بازار کار خواهد شد (عباسی‌شوازی و خانی، ۱۳۹۳: ۴۰).

در مجموع، به نظر می‌رسد تبیین‌های عقلانی و تئوری اجتناب از خطر و تغییر انتظارات اقتصادی افراد (نظریه فاصله بین منابع و انتظارات اقتصادی)، بتوانند تبیین مناسبی برای کنش زوجین در انتخاب کم‌فرزندآوری ارائه دهند. زوجین براساس نگرش‌ها و ارزش‌ها و انتظاراتی که از زندگی دارند، هزینه‌ها و فواید فرزند داشتن را سبک و سنگین می‌کنند و سپس درباره داشتن فرزند و تعداد فرزندان‌شان و زمان فرزندآوری تصمیم می‌گیرند. این چارچوب مفهومی در فهم تفاسیر زوجین از فرزندآوری می‌تواند راهگشا باشد. از آنجا که در این چارچوب، دریافت‌های شخصی و تجارب زیسته افراد اهمیت می‌یابد، روش تحقیق کیفی که رویکردی تفسیری و معناکاوانه دارد متناسب با چنین پژوهشی است.

1. Easterlin

2. The Conflict between Aspirations and Resources Theory

3. Freedman

پیشینه تجربی پژوهش

مطالعات کمی و کیفی مختلفی در زمینه کم‌فرزندگی و عوامل مؤثر بر کاهش تمایل به فرزندآوری انجام شده است. از جمله مطالعات کیفی در این زمینه می‌توان به مطالعه شمس‌قهرخی و همکاران (۱۴۰۲) اشاره کرد. آن‌ها در مطالعه‌ای کیفی با عنوان «کاربست روش‌شناسی کیو در شناسایی الگوهای ذهنی مردم در مورد فرایند فرزندآوری» به این نتیجه رسیدند که چهار الگوی ذهنی رایج عبارتند از: «الگوی ذهنی فرزندآوری معطوف به اقتصاد»، «الگوی ذهنی فرزندآوری رفاه‌طلبانه»، «الگوی ذهنی موافق فرزندآوری» و «الگوی ذهنی مخالف فرزندآوری». این الگوهای ذهنی، از برهمکنش متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و تحولات ارزشی و نگرشی شکل گرفته‌اند. نتایج برهمکنش متغیرهای اقتصادی-اجتماعی با تغییرات ارزشی و نگرشی در جامعه ایران در دهه‌های اخیر بر رفتارهای جمعیتی در سطح خرد و کلان تعیین کننده بوده است. شناسایی الگوهای ذهنی این فرصت را در اختیار متولیان سیاستگذاری جمعیت قرار می‌دهد که در مورد سیاست‌های مشوق فرزندآوری، تصمیمات مؤثرتری بگیرند و از سوی دیگر این سیاست‌ها از سوی مردم که مخاطبین سیاست‌ها هستند، قابل‌پذیرش باشد.

شمس قهرخی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای کیفی با عنوان «در دو راهی تصمیم به فرزندآوری؛ واکاوی چالش‌های فردی و اجتماعی فرزندآوری» به این نتیجه رسیدند که بیم و هراس‌های اقتصادی، آینده‌هراسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دغدغه‌های انباشته تصمیم به فرزندآوری را درگیر محاسبات مبتنی بر عقلانی بودن ابزاری می‌کند. چنین محاسباتی انواع راهبردها را در خانواده‌ها فعال و آن‌ها را دچار نوعی دگردیسی و گذار ارزشی می‌کند که گذار ارزشی از فرزندآوری، هسته اصلی مضامین و مقولاتی است از میدان پژوهش بدست آمده است. علی‌رغم این که این مطالعه نگاه جامعی به موضوع کم‌فرزندگی داشته است ولی نمونه مورد بررسی در این مطالعه زنان و مردان مجرد و متأهل می‌باشند، در حالی که در مطالعه حاضر نمونه‌ها زوجینی هستند که به‌طور ارادی و آگاهانه بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی را انتخاب کرده‌اند. لذا از این جهت با مطالعه شمس قهرخی و همکاران (۱۴۰۱) متفاوت است.

پژوهش حمیدی‌فر و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان جامعه در مخاطره و فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت، نشان داد که افراد داشتن و یا نداشتن فرزند را مانند انتخابی می‌دانند که برای انتخاب‌های دیگر به تعویق می‌افتد و یا سرکوب می‌شود. مهم‌ترین دلایل افراد برای بی‌فرزندگی مسئولیت زیاد پدری و مادری، محدودیت‌های اجتماعی فرزند برای والدین، محدودیت‌های زناشویی فرزند برای والدین، هزینه زیاد داشتن فرزند و مخاطره‌های بارداری برای زنان است.

برخی مطالعات دیگر، تنها متمرکز بر زنان و با هدف کشف زمینه‌های کم‌فرزندگی انجام شدند. به‌عنوان مثال آقایی و همکاران (۱۳۹۵) در تبریز با هدف کشف پدیده کم‌فرزندگی در

میان زنان شهر تبریز، یک مطالعه کیفی با رویکرد تئوری زمینه‌ای انجام داده و نشان دادند که مقوله هسته عبارت است از «فرزندآوری به مثابه مخاطره». در این مطالعه پدیده کم‌فرزندى با استفاده از نظام معنایی مبتنی بر مخاطره در چهار بعد «زیبایی، سلامتی، اقتصادی و قدرت» گزارش شده است. علی‌رغم اینکه این مطالعه نگاه جامعی به موضوع کم‌فرزندى داشته است، ولی نمونه مورد بررسی زنانی بوده‌اند که دارای تعداد متنوعی فرزند بوده، در حالی که در مطالعه حاضر، نمونه‌ها زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزندى هستند که به‌طور اردای تصمیم به بی‌فرزندى و تک‌فرزندى گرفته‌اند، لذا از این جهت با مطالعه آقایاری متفاوت بوده و از نظر بستر نیز مطالعه حاضر در شهر اصفهان انجام شده است.

مطالعه محمودیان و همکاران (۱۳۸۸) با عنوان «زمینه‌های کم‌فرزندآوری در استان کردستان: مورد مطالعه شهر سقز» براساس رویکرد کیفی و روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای انجام شده است. این مطالعه، با انجام ۵۳ مصاحبه عمیق با زنان و مردان متأهل و مجرد سنین مختلف، به این نتیجه رسیده است که کم‌فرزندآوری در جامعه مورد مطالعه به‌عنوان یک کنش اجتماعی معنادار از رواج و شیوع گسترده‌ای برخوردار است و در قالب نوعی گفتمان و نظام معنایی و کنش افراد و خانواده‌ها حاکم است. نمونه مورد بررسی در این مطالعه زنان و مردان متأهل و مجرد در سنین مختلف بوده‌اند. مطالعه حاضر به لحاظ نمونه و بستر پژوهش با مطالعه محمودیان و همکاران متفاوت است.

و به دو مورد مطالعه کمی در این زمینه اشاره می‌شود: مطالعه علیم‌رادیان و همکاران (۱۴۰۱) با عنوان «تأخیر در تولد فرزند دوم: تحلیل دوره ماندگاری در وضعیت تک‌فرزندى در خرم‌آباد» می‌باشد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که زنان با تحصیلات دانشگاهی، دارای نگرش جنسیتی مدرن، همچنین زنان دارای شبکه اجتماعی محدود و احساس ناامنی اقتصادی - اجتماعی بالا، دیرتر از سایر زنان به فرزند دوم می‌رسند. بنابراین، احتمال بقای تک‌فرزندى بالاتری دارند. در مجموع، با توجه به ارتباط زیاد بین تأخیر در فرزندآوری با باروری پایین، تأخیر در تولد فرزند دوم از مسائل مهم جمعیتی کشور است و زمان‌بندی مولید در سطح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نیازمند توجه اساسی است. لذا همسو با سیاست‌های افزایش جمعیت، اجرای برنامه‌هایی برای تسهیل فرزندآوری و حمایت از افرادی که تمایل به فرزندآوری دارند، اما به دلیل هزینه‌های فرصت و یا محدودیت‌های اقتصادی اجتماعی، ممکن است مدت طولانی تک‌فرزند باقی بمانند، ضرورت دارد.

در پژوهش عباسی‌شوازی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «امنیت اقتصادی - اجتماعی و قصد باروری در شهر تهران» در چارچوب نظریه اجتناب از خطر و انتخاب عقلانی، تأثیر امنیت بر قصد فرزندآوری زنان مورد آزمون قرار می‌گیرد. زنانی که خود و یا همسرانشان در سنین پایین‌تری

هستند، زنان با تحصیلات دانشگاهی، زنان بدون فرزند یا تک‌فرزند و زنانی که تجربه حاملگی در دو سال گذشته نداشته‌اند، بیشتر قصد فرزندآوری دارند. قصد باروری همچنین با امنیت اقتصادی و نگرانی از آسیب‌های اجتماعی مرتبط است. با کاهش نگرانی از آسیب‌های اجتماعی و افزایش امنیت اقتصادی، قصد فرزندآوری افزایش می‌یابد. بر اساس نتایج تحلیل چندمتغیره، تاثیر ابعاد مختلف امنیت (عینی و ذهنی) در مقایسه با متغیر سن زنان و تعداد فرزندان اندک است، لیکن با توجه به قصد فرزندآوری در زنان تک‌فرزند و بدون فرزند و ایده‌آل باروری بیش از دو فرزند در جامعه انتظار می‌رود با اقدامات مؤثر در جهت کاهش مشکلات اقتصادی در سطح کلان و خانواده و کاهش آسیب‌های اجتماعی، شرایط فرزندآوری در کشور تسهیل و شکاف بین باروری ایده‌آل و واقعی کمتر شود.

همچنین تحقیقاتی در کشورهای خارجی صورت گرفته است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

برو و شپرد^۱ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «تصمیم‌گیری در مورد باروری در انگلستان: بینشی از یک مطالعه کیفی در میان مردان و زنان بریتانیایی» به بررسی برخی از علل شکاف باروری در بریتانیا می‌پردازند. آن‌ها داده‌های کیفی را از هفت گروه متمرکز در میان مردان و زنان در سنین باروری با زمینه‌های تحصیلی مختلف جمع‌آوری کردند. این گروه‌های متمرکز نشان می‌دهند که حمایت اجتماعی عاملی تأثیرگذار برای بریتانیایی‌هایی است که به بچه‌دار شدن فکر می‌کنند، اگرچه بحث‌ها از نظر حمایت از طرف شرکا یا والدین متفاوت بود. بحث‌ها با زنان تحصیل کرده دانشگاهی موضوعاتی از هزینه‌های فرصت شغلی را نشان می‌داد و مردان غیردانشگاهی بینش‌هایی درباره بار مالی والدین ارائه کردند. این مطالعه اکتشافی مطالب به روزی را در مورد بی‌فرزند ناخواسته و باروری پایین در بریتانیا ارائه می‌دهد و شایستگی استفاده از روش‌های کیفی در درک شکاف باروری را برجسته می‌کند.

سوبوتکا^۲ و همکاران (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان «رکود اقتصادی و باروری در دنیای توسعه یافته: مروری بر ادبیات» نشان دادند اثر بی‌اطمینانی اقتصادی بر رفتار و نیت باروری با توجه به جایگاه اجتماعی، به ویژه سطح تحصیلات، متفاوت بوده است، به‌طوری‌که افراد بیشتر تحصیل کرده غالباً رفتار اجتناب از خطر را در پیش می‌گیرند. درآمد پایین و ناکافی، کاهش ساخت وساز مسکن و کمتر در دسترس بودن وام‌های کمک کننده باعث نایاب شدن مسکن برای زوجین جوانتر گشته و این مسئله در کشورهایی که دارا بودن مسکن شخصی را به عنوان پیش زمینه‌ای برای والدین شدن در نظر می‌گیرند احتمالاً اثر منفی بر نیت باروری داشته باشد.

1. Brough & Sheppard

2. Sobotka

پرلی هریس^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه خود با عنوان «اوکراین: در مرز بین قدیم و جدید» فرزندآوری روندها و سیاست‌ها: مطالعات موردی کشور، در مورد باروری پایین در اوکراین تأکید کرد بی‌ثباتی‌های سیاسی که منجر به آنومی‌های اجتماعی و شکست در هنجارهای اجتماعی شده از عوامل اساسی کاهش باروری به سطوح پایین است. اوکراین یک جامعه تحصیل کرده است که در آن پدر و مادر ایده کیفیت بچه را ارتقاء داده‌اند. اوکراینی‌ها نه به دلیل اینکه شرایط ملزومات فرزندآوری را ندارند، بلکه به دلیل اینکه کنترلشان را بر محیط اطرافشان از دست داده‌اند نمی‌خواهند بچه دیگری به دنیا بیاورند. در واقع تأخیر یا پرهیز از فرزندآوری بیش از اینکه یک پاسخی به نگرانی‌های مادی باشد، یک واکنش روانشناختی به شرایط آنومیک و بی‌اطمینانی اجتماعی است. اوکراین بالاترین نرخ‌های طلاق را در سال ۲۰۰۰ در جهان داشته است. این سطوح بالای طلاق، بی‌اطمینانی ازدواجی را افزایش داده و به نوبه خود احتمال داشتن فرزند بیشتر را به شدت محدود کرده است. به ویژه اینکه بسیاری از طلاق‌ها در سال‌های اولیه ازدواج رخ می‌دهد، از این رو بی‌ثباتی ازدواج و استرس و اضطراب در مورد ثبات ازدواج منجر به تأخیر فرزندآوری شده است.

بوهلر و فراتچاک^۲ (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای با عنوان «یادگیری از دیگران و دریافت حمایت: تأثیر شبکه‌های شخصی بر اهداف باروری در لهستان»، متوجه شدند که زوج‌هایی که به گروه سنی مورد بررسی تعلق دارند و بی‌فرزند هستند یا در حال حاضر یک فرزند دارند، نقش حمایتی مثبت و کاربردی در قصد فرزندآوری زوج‌ها (فرزند اول) دارند و همچنین وجود منابعی که شامل حمایت‌های مادی و غیرمادی می‌باشد به صورت معناداری افراد را تشویق به داشتن فرزند دوم می‌کنند.

بررسی مطالعات تجربی در داخل کشور نشان می‌دهد که با وجود تغییر رویکرد حاکمیتی و چرخش به سوی سیاست‌های تشویقی فرزندآوری، ارتقاء محسوسی در سطح و میزان‌های باروری کشور قابل مشاهده نیست. بر اساس آمارهای موجود، استان اصفهان جزء استان‌هایی با باروری پایین (با باروری کل بین ۱/۳ تا ۱/۵ فرزند) در ایران است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰؛ شمس قهفرخی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸). مرور آمارهای ولادت ثبت احوال استان اصفهان در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۲ نشان می‌دهد که تعداد سالانه ولادت‌های ثبت شده از تقریباً ۷۵ هزار ولادت در ابتدای دوره مذکور به حدود ۸۵ هزار تولد در سال ۱۳۹۴ افزایش و سپس در سرایشی کاهش قرار می‌گیرد و تا پایان دوره به نزدیک ۵۲/۵ هزار ولادت کاهش می‌یابد. به ترتیب برای هر یک از سال‌های ذکر شده در فوق، شاخص میزان خام ولادت (CBR) نیز از ۱۶ در هزار به ۱۷/۴ در هزار افزایش و سپس به ۱۰ در هزار تنزل می‌یابد. دیگر آمارهای ثبت احوال کشور نشان می‌دهد

1. Perelli-Harris

2. Bühler and Fratzczak

که برای سال ۱۴۰۲، میانگین سنی مادران در زمان تولد اولین فرزند در کل کشور برابر با ۲۷/۳ و در استان اصفهان برابر با ۲۹/۱ بوده است که حکایت از تأخیر بیشتر فرزندآوری در استان اصفهان به سنین بالاتر دارد. در واقع، استان اصفهان، پس از استان‌های تهران و البرز (با ارقام ۳۰/۴ و ۲۹/۳)، سومین استانی است که در سطح کشور، بیشترین تأخیر سنی را در فرزندآوری مادران، (براساس شاخص میانگین سن مادران در زمان تولد اولین فرزند) تجربه می‌کند (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۴۰۳).

بر این اساس، پژوهش حاضر در نظر دارد با رویکرد کیفی و روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای به بررسی ابعاد و زمینه‌های اقتصادی که باعث ترس از فرزندآوری در زوجین می‌شود، بپردازد. در واقع، این پژوهش سعی می‌کند انگیزه‌ها و رفتارهای فرزندآوری زوجین را در لایه‌های اجتماعی و میدان واقعیت بررسی بکند.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر در چارچوب پارادایم تفسیری، رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای با رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین (۱۹۹۸، ۱۹۹۰) می‌باشد و به بررسی زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی تغییر تمایل به فرزندآوری میان زوجین بی‌فرزند و زوجین تک‌فرزند پرداخته است. جامعه پژوهش شامل ۱۵ زوج بی‌فرزند ارادی که حداقل سه سال از ازدواج‌شان می‌گذرد و همچنین ۱۵ زوج تک‌فرزند که به‌طور ارادی تک‌فرزندی را انتخاب کرده‌اند، می‌باشد و به این نکته نیز اشاره می‌شود که مصاحبه‌ها با یکی از زوجین صورت گرفته است. به دلیل اینکه تصمیم به فرزندآوری یا عدم آن یک تصمیم دو نفره است و بنابراین ممکن است برخی از دلایل زوجین در این زمینه مشترک باشد تا حد امکان از مصاحبه‌های زوجی خودداری شد. در این پژوهش در راستای دستیابی به نمونه‌های مرتبط، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. در این فرایند با ۳۰ نفر از مشارکت‌کنندگان مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته صورت گرفت. به‌طور میانگین، زمان هر مصاحبه بین ۴۰ تا ۹۰ دقیقه بود. گردآوری داده‌های تحقیق با جلب رضایت و اعتماد مشارکت‌کنندگان برای همکاری صادقانه، بیان هدف‌ها، ماهیت پژوهش و تأکید بر محرمانه ماندن اطلاعات صورت گرفت. مصاحبه‌شوندگان با آگاهی کامل به فرایند مصاحبه با شرکت در پژوهش موافقت کردند. بعد از انجام مصاحبه با رعایت موازین اخلاقی هر مصاحبه به صورت دقیق پیاده‌سازی شد. پس از پیاده‌سازی هر مصاحبه، روند کدگذاری انجام گرفت و پس از پایان یافتن همه مصاحبه‌ها، جمع‌بندی از فرآیند کدگذاری و دستیابی به مقوله‌های فرعی و اصلی انجام شد.

برای ارزیابی پژوهش کیفی از ملاک‌های مطرح شده توسط لینکلن و گوبا^۱ (۱۹۸۵) مطرح شده است. برای دستیابی به اعتبارپذیری در ابتدا از تکنیک کنترل از سوی اعضا استفاده شد؛ به این صورت که بعد از تحلیل یافته‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها از تعدادی از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا ارزیابی و نظر خود را درباره‌ی صحت یافته‌ها مطرح کنند. همین‌طور برای انتخاب مقوله‌های مناسب از نظر استادان خبره استفاده شد. استفاده از نظریه‌های همتایان علمی و خبره یکی از ملاک‌های تأمین اعتبار تحقیق در مطالعات کیفی است.

محیط پژوهش شهر اصفهان انتخاب شده است زیرا اصفهان، در زمره استان‌هایی است که سطح باروری پایین‌تری از میانگین کشوری دارد و بر اساس آخرین برآورد مرکز آمار ایران (۱۴۰۰) میزان باروری کل به ازای هر زن کم‌تر از ۱/۵ فرزند است. پیش‌بینی می‌شود که سطح باروری در شهر اصفهان به‌عنوان مرکز این استان، حتی پایین‌تر از برآورد مذکور باشد (شمس قهفرخی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹).

ویژگی‌های جمعیتی افراد حاضر در پژوهش در جدول ۱ آورده شده است. مشارکت‌کنندگان در بازه سنی ۲۸ تا ۴۵ سالگی هستند. اکثر مشارکت‌کنندگان خانم هستند، اکثر آقایان تمایلی برای مصاحبه نداشتند و عده‌ای از آن‌ها نیز اذعان داشتند که فرصت برای مصاحبه ندارند. تحصیلات شرکت‌کنندگان از دیپلم تا دکتراست و در زمینه‌های شغلی کارمندی، دبیری، شغل آزاد، خانه‌داری و ... فعالیت داشته‌اند. در پژوهش حاضر برای حفظ حریم خصوصی اشخاص شرکت‌کننده تمامی اسامی شرکت‌کننده در جدول ۱ غیر واقعی و مستعار است.

فعالیت عمده در نظریه زمینه‌ای، تجزیه و تحلیل داده‌ها است. در این نظریه تحلیل داده‌ها بر اساس سه شیوه‌ی کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری انتخابی^۴ (گزینشی) است. کدگذاری فرایندی تحلیلی است که بر اساس آن داده‌ها مفهوم‌گذاری می‌شوند و به هم می‌پیوندند تا نظریه را شکل دهند (کرسول^۵، ۱۴۰۰). در این پژوهش که از کدگذاری‌های سه‌گانه استفاده شد، در مرحله کدگذاری باز، پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام شده، گزاره‌های اصلی معنادار متن استخراج شد. در مرحله کدگذاری محوری، از میان مفاهیم استخراج شده برحسب همگنی و تجانس، مقوله‌بندی فرعی صورت گرفت. همچنین در کدگذاری انتخابی نیز با مرور مقوله‌ها و مفاهیم، نسبت به شناسایی پدیده مرکزی اقدام شد.

1. Lincoln & Guba
2. Open Coding
3. Axial Coding
4. Selective Coding
5. Creswell

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیتی مشارکت‌کنندگان

نام مستعار	سن	تحصیلات	شغل	تعداد فرزند
نیلوفر	۲۸	کارشناسی حسابداری	حسابدار	بی‌فرزند
مهسا	۲۸	دیپلم	تولید محتوا	بی‌فرزند
سارا	۲۹	کاردانی	آرایشگر	تک‌فرزند
بتول	۳۱	دیپلم	خانه‌دار	تک‌فرزند
مونا	۳۵	کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی	بازیگر تئاتر	بی‌فرزند
مریم	۳۵	کارشناسی ارشد مشاوره	مشاور	بی‌فرزند
الهه	۳۵	کارشناسی کامپیوتر	ماساژ درمانی	بی‌فرزند
فرهاد	۳۵	ارشد روانشناسی ورزشی	ورزشکار	بی‌فرزند
مریم	۳۶	کارشناسی ارشد بیمه	کارمند بیمه	تک‌فرزند
غزال	۳۷	ارشد برنامه‌ریزی گردشگری	مربی ورزشی	بی‌فرزند
امین	۳۷	کارشناسی	کارمند	بی‌فرزند
فاطمه	۳۷	کارشناسی کامپیوتر	عکاس	تک‌فرزند
نرگس	۳۷	کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی	معلم	تک‌فرزند
امیر	۳۸	کارشناسی	آزاد	بی‌فرزند
مهرین	۳۸	کارشناسی	کارمند	بی‌فرزند
ریحانه	۳۸	کارشناسی ارشد تاریخ	کارمند	بی‌فرزند
الهه	۳۸	کارشناسی مدیریت بازرگانی	خانه‌دار	تک‌فرزند
فریده	۳۸	کاردانی	خانه‌دار	تک‌فرزند
سمیه	۳۸	کارشناسی ارشد صنایع	خانه‌دار	تک‌فرزند
سارا	۳۸	کارشناسی	معلم	تک‌فرزند
الهام	۳۸	کارشناسی	کارمند	تک‌فرزند
مهدیه	۳۹	کارشناسی پرستاری	پرستار	بی‌فرزند
زهرا	۳۹	دکترای ادبیات فارسی	دبیر	تک‌فرزند
رویا	۳۹	کارشناسی تربیت بدنی	دبیر	تک‌فرزند
شهین	۴۰	کارشناسی پرستاری	پرستار	بی‌فرزند
مجید	۴۰	کارشناسی	کارمند	بی‌فرزند
ناهید	۴۰	ارشد روانشناسی تربیتی	مشاور	تک‌فرزند
احمد	۴۱	کارشناسی ارشد علوم سیاسی	ماساژ درمانی	بی‌فرزند
هاجر	۴۱	دیپلم	خانه‌دار	تک‌فرزند
پرینسا	۴۳	کارشناسی ارشد کامپیوتر	حسابدار	تک‌فرزند

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها، زمینه‌های تغییر تمایل به باروری را تحت تأثیر عوامل اقتصادی در زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند، نشان می‌دهد. با توجه به مصاحبه‌های انجام شده می‌توان این دلایل و زمینه‌ها را در ۷۶ مفهوم، ۲۸ مقوله فرعی و ۱۲ مقوله اصلی و در نهایت یک مقوله هسته تقسیم کرد.

مقولات اصلی	مدل پارادایمی	مقوله هسته
هزینه‌های سرسام‌آور زندگی	شرایط علی	فرزند در معنای هزینه،
اجاره‌های سرسام‌آور		
مسئله گرانی و تورم	شرایط زمینه‌ای	بسترهای اقتصادی فرزندزدا
نارسایی درآمدی		
فرزند به مثابه هزینه	پدیده مرکزی	
اتمسفر نااطمینانی پایدار		
بی‌ثباتی اقتصادی	شرایط مداخله‌گر	
بی‌ثباتی شغلی		
ترس از چالش‌های اقتصادی فرزندآوری	استراتژی‌ها	
کمال‌گرایی در تأمین نیازهای فرزند		
بسترهای اقتصادی فرزندزدا	پیامدها	
نارضایتی از وضع موجود		

پدیده مرکزی

پدیده ناظر بر اتفاق، حادثه، واقعه و فکری محوری می‌باشد که از علل ناشی می‌شود. پدیده مرکزی در این پژوهش، فرزند به مثابه هزینه می‌باشد. هنجارها و ارزش‌های ناظر بر فرزندآوری متأثر از تجربه مدرنیته و عبور از ساختار سنتی است. تغییر نگاه به فرزند به مثابه سرمایه انسانی و اجتماعی به «فرزند به مثابه هزینه» در دوران معاصر موجب شده که نرخ باروری و فرزندآوری تحت تأثیر قرار بگیرد. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که به کیفیت زندگی اقتصادی و مرفه فرزندان اهمیت زیادی می‌دهند و شرایط فعلی اقتصادی و اجتماعی جامعه را مناسب برای رشد و نمو فرزند نمی‌دانند. در این زمینه مریم (۳۶ ساله، تک‌فرزند، با تحصیلات کارشناسی‌ارشد) می‌گوید:

«از اولش در نظر بگیر مثلاً پوشک، الان من پسر ۵ ساله الان اگه من بخوام یه بچه دیگه بیارم اون موقع که من برای پسر پوشک می‌گرفتم هزینه‌اش

چقدر بود الان چقدره؟ شیر خشک رو در نظر بگیر، اولاً که جدای از هزینه‌اش با کد ملی و بدبختی بری شیر خشک بگیری اونم با چه قیمتی حالا برو بالا. الان امسال برای پسر رفتم پیش دبستانی اسم بنویسیم، یه پیش دبستانی ۱۷ میلیون گفتن، پیش دبستانی دولتی هم که نداریم همشون غیرانتفاعی و برای بخش خصوصی، باید حداقل ۱۷ میلیون بدیم، بعد سال بعد ۲۰ میلیون و همین‌طور میره بالا. خب بین چقدر هزینه‌ها بالاست، خب این خیلی تأثیر داره دیگه بعد حالا تورم رو هم بیار روش. تازه هزینه‌های زایمان و غربالگری رو هم بزار روش وقتی شما میان بیمه رو هم از رو غربالگری بر می‌دارین و من مجبورم ۲۰ تومن، ۳۰ تومن هزینه کنم برای اینکه بخوام آزاد غربالگری کنم معلومه بچه نمی‌ارم. خدای نکرده خدای نکرده فرزند ناسالم باشه چیکار می‌خواهی بکنی؟ فقط به خاطر اینکه یه سهل‌انگاری کردم و سونوگرافی نرفتم».

شرایط علی

شرایط علی بیان‌کننده وقایع، حوادث و رویدادهایی بوده که به وقوع یا گسترش پدیده منجر می‌شوند و بر پدیده موردنظر تقدم دارند. در این پژوهش شرایط علی شامل: هزینه‌های سرسام‌آور زندگی و اجاره‌های سرسام‌آور می‌باشد. در دهه‌های اخیر می‌بینیم که موانع سد راه افزایش جمعیت همچنان پابرجاست و تمایلی برای ازدواج در میان جوانان و فرزندآوری در میان زوجین وجود ندارد. یکی از موانع مشکلات اقتصادی و هزینه‌های سرسام‌آور زندگی می‌باشد. در همین رابطه مشارکت‌کنندگان اذعان کردند که تأمین هزینه‌های سرسام‌آور زندگی برای‌شان سخت شده است. اجاره خانه، تهیه مایحتاج آن، هزینه‌های درمانی و بسیاری موارد دیگر که هر روز هم در حال افزایش است انگیزه فرزندآوری را از زوجین گرفته است. فاطمه (۳۹ ساله، تک‌فرزند، با تحصیلات دکترا) معتقد است:

«این موضوع خیلی مهمه نه آینده خودمون مشخصه طبعاً نه آینده بچه‌هامون. اجاره‌های سرسام‌آور، گرانی، شغلی که حقوقش کمه و ناچاراً باید به همین هم راضی باشی. امنیت شغلی نداریم، همین یکی هم به زور داریم می‌رسونیم چه برسه که تعدادش بیش‌تر بشه که دیگه هیچ فکرش هم سخته واقعاً».

مورد دوم از شرایط علی اجاره‌های سرسام‌آور می‌باشد. مشارکت‌کنندگان تحقیق معتقدند در شرایطی که دستمزدها در مقایسه با تورم و افزایش قیمت کالا و خدمات کمتر از نصف افزایش داشته است اما برخی موارد اجاره‌بها تا ۱۰۰ درصد هم افزایش یافته است و این معضلی برای خانواده‌ها شده است. در بازار اجاره‌بها در سایه نبود هیچ‌گونه اساس و قانونی برای تعیین کف و

سقف قیمت، اجاره‌های سرسام‌آور ناله مستأجران را درآورده است و قیمت‌های سرسام‌آور اجاره‌بها سختی با درآمد خانوارها ندارد. برای مثال مهدیه (۳۹ ساله، بی‌فرزند، با تحصیلات کارشناسی) می‌گوید:

«قبلا این اعتقاد بود که «هر آن کس که دندان دهد، نان دهد» ولی امروزه این‌طور نیست. وقتی کسی که خودش سقف نداره و مستأجره، برای زندگی و امورات خودش هزینه کم میاره و با دونفر کار کردن پاسخگوی نیازهای خودش نیست، چرا بچه‌ای بیاره که جواب اونو بده در آینده‌ای نه چندان دور؟ به نظر من که عقلانی نیست».

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای، بافت و بستری هستند که استراتژی‌های تحقیق در آن به وقوع می‌پیوندند. در واقع، این شرایط، شرایط خاص و ویژه‌ای هستند که با استراتژی‌های مشارکت‌کنندگان در ارتباط هستند. شرایط زمینه‌ای در این پژوهش مسئله گرانی و تورم و نارسایی درآمدی می‌باشد. تورم و گرانی کالاها و خدمات، پدیده‌ای است که بارها آن را تجربه کرده‌ایم و درباره آن شنیده‌ایم. عنوان بسیاری از اخبار این روزهاست و در صدر اخبار رسانه‌ها و فضای مجازی و گفتگوهای خصوصی مردم قرار گرفته است.

تورم در اصطلاح، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها به شکل مستمر و بی‌رویه است. تورم عبارت از افزایش بی‌رویه، بی‌تناسب و مداوم سطح عمومی قیمت‌ها و به زیان دستمزددیگران است؛ ولی به دریافت‌کنندگان سود، منفعت می‌رساند (جعفرزاده و اکبری‌فرد، ۱۳۹۱: ۳۲۰). تورم تنها ثروت مردم را کاهش می‌دهد؛ بلکه نگرش آنان به دنیا را تغییر می‌دهد و درنهایت، حتی بر درک آن‌ها از واقعیات تأثیر می‌گذارد. وقتی پول واقعیاتش را از دست می‌دهد، تمام چیزهای دیگر هم غیرواقعی می‌شوند. در این شرایط مردم به شدت نسبت به حقایق اقتصادی زندگی وسواس پیدا می‌کنند و باید تمام انرژی خود را صرف تلاش برای بقا کنند (کانتور و کاکس، ۱۳۹۴: ۵۰۹). در زمینه گرانی و تورم، مهسا (۲۸ ساله، بی‌فرزند، با تحصیلات دیپلم) این‌گونه می‌گوید:

«یکی از مهم‌ترین عوامل برای من و همسر من همین گرونی. اگه درصد بگیریم همین ۴۰ درصد برای ما تأثیر داره به تنهایی. چون اگه بابت رفاه، البته نه فقط رفاه خودمون که مثلا اگه همسر من پولدارتر بود اوکی بود، کلا وضعیت جامعه و کلا تورم کم‌تر بود. کلا درونی نمی‌بینم این قضیه رو. اگه وضعیت کشور، وضعیت گرونی در اجتماع بهتر بود خیلی تأثیر می‌گذاشت رو این تصمیم من و همسر من و در بچه‌دار شدن. درسته که با تجمل‌گرایی مخالفم اما به بچه هم همیشه گفت اینو نمی‌خورم و نیست و ... میگم با تجمل‌گرایی کاملاً مخالفم ولی

در یه حدی باید باشه. الان مثلاً می‌بینم طرف نوجوونه و گوشی میخواد میگن نه و ... به نظر من بچه رو باید تربیت کنی. نه اینکه وسیله رو ازش بگیري و دریغ کنی. پس گرونی تأثیر داره و من گرونی رو مسئله جهانی و درون‌کشوری می‌بینم نه فقط برای خودم. اگه بخوایم بچه‌دار شیم اینطور نیست که بچه گرسنه بمونه، خونه داریم ولی اصلاً نمی‌تونم بگم این بچه بزرگ شد چی میشه و نمی‌تونم تضمینی بدم بچه‌ام مدرسه خوب بره و این مسئله نگرانم می‌کنه تو این وضعیت جامعه و تو این وضعیت گرونی بخوام بچه‌دار بشم».

یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای نارسایی درآمدی است. تکیه بر دغدغه اقتصادی و نارسایی درآمدی در سال‌های اخیر به بزرگ‌ترین چالش برای فرزندآوری تبدیل شده است. امروزه جوانان با توجه به گرانی‌ها و درآمدهای حداقلی نه تنها از فرزندآوری بلکه از ازدواج نیز فاصله گرفته و عطایش را به لقایش بخشیده‌اند. مشارکت‌کنندگان در این زمینه معتقد بودند که فقط تأمین نیازهای اولیه بچه مدنظر نیست و با توجه به تغییر نگرش‌ها و رویکردها، زوجین می‌خواهند که آینده خوب و مطلوبی را برای فرزندان‌شان فراهم کنند که با این شرایط اقتصادی و درآمدهای حداقلی آن را ممکن نمی‌دانند. در این زمینه امین (۳۷ ساله، بی‌فرزند، با تحصیلات کارشناسی) معتقد است:

«هزینه‌های زندگی واقعا سنگینه. الان می‌بینم بین همکارامون هستن که حقوقشون کمه و پشتوانه‌ای هم ندارن و تا بچه از آب و گل دربیاد خیلی اذیت میشن. تازه این برای وقتی که بچه سالم باشه در غیر این‌صورت که خدای نکرده اگر مشکلی هم بچه داشته باشه با این هزینه‌های دارو و بیمارستان و حقوق‌های کم و هزینه‌های زیاد واقعا سخت میشه».

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر شرایطی ساختاری است که بر استراتژی‌ها تأثیر می‌گذارد و به پدیده تعلق دارد و بیشتر بر نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کلانی اشاره دارد که از بیرون از بستر وارد می‌شود (کرسول، ۱۴۰۰). شرایط مداخله‌گر در این قسمت شامل: اتمسفر نااطمینانی پایدار، بی‌ثباتی اقتصادی و بی‌ثباتی شغلی می‌باشد. شرایطی که در آن پیش‌آمدهای آینده مشخص نبوده یا در صورت مشخص بودن، احتمال وقوع آن‌ها نامشخص است را شرایط نااطمینانی^۱ می‌گویند که در هر دو صورت تصمیم‌گیری در مورد آینده پیچیده و دشوار می‌شود. مشارکت‌کنندگان تحقیق زیست در چنین شرایط نااطمینانی و پیش‌بینی‌ناپذیر در وضعیت فعلی جامعه را برای

1. Uncertainty

فرزندآوری و رشد و نمو فرزند مناسب نمی‌دانستند. آنان بر این تصور بودند که شرایط نااطمینان پایدار در کشور موجبات ترس از فرزندآوری را ایجاد کرده و باعث شده است که زوجین به‌طور ارادی بی‌فرزندی و تک‌فرزندی را انتخاب کنند. برای مثال سارا (۲۹ ساله، تک‌فرزند، با تحصیلات فوق دیپلم) می‌گوید:

«آخه همه چی روشنه از چی بگم. نگرانی برای آینده، همین دغدغه مدرسه‌اش، کجا مدرسه بره؟ خرج مدرسه‌اش خرج ادامه تحصیلش، بعد که می‌خواد بزرگتر بشه می‌خواد زن بگیره. خب همه اینا رو آدم باید فکر کنه و بچه بیاره یا دختر باشه بخواد شوهر کنه. الان همه چی تو مادیاته. جامعه رو چیکار کنیم؟ جامعه‌مون خیلی بده به خدا. اولاً که هر روز داره گرون‌تر از قبل میشه یعنی امروز و فرداش باهم فرق می‌کنه، دوما اینکه معلوم نیست آینده چه‌طوری باشه. ... دیگه مریضی‌ها که هی داره مریضی جدید اضافه میشه با اسم‌های جدید، آینده کشورمون اصلاً معلوم نیست چی می‌خواد بشه؟ بلاتکلیفیم کلاً».

مورد دوم شرایط مداخله‌گر بی‌ثباتی اقتصادی است. از نظر مشارکت‌کنندگان با نگاهی به وضعیت اقتصاد کشور به‌ویژه در دهه اخیر به نظر می‌رسد که بی‌ثباتی در وضعیت اقتصادی یکی از موارد مهم مطرح شده در جامعه فعلی می‌باشد. تغییرات ناگهانی و نارسایی‌های عمیق در شاخص‌های مهمی چون تورم، نرخ ارز، افزایش شدید قیمت‌ها، بیکاری، اثباتی بر این مدعا و نشان از عدم وجود سیاست‌های یکپارچه و استوار اقتصادی دارد. در این زمینه امین (۳۷ ساله، بی‌فرزند، با تحصیلات کارشناسی) می‌گوید:

«وقتی آدم تأمین نباشه آدم باید خیلی بی‌فکر باشه یا خیلی دل بزرگ داشته باشه که بگه من الان شرایط اقتصادی معلوم نیست ولی بچه میارم حالا آنکه دندان دهد نان دهد. از این مثال‌ها که میزنن، جور میشه خدا می‌رسونه، خدا نمی‌رسونه دیگه. منطق آدم باید بگه. وقتی نیست خب نیست دیگه. قطعاً اگر در مملکتی باشیم که ثبات شغلی و ثبات اقتصادی باشه میل به دنبال خواسته‌هاش رفتن و آرزوهاش بیش‌تر میشه و به بچه و آینده بچه اش فکر می‌کنه. ولی وقتی می‌بینه خودش وضعش مشخص نیست اونم فکر نمی‌کنه بچه‌دار بشه».

و در نهایت آخرین مورد شرایط مداخله‌گر بی‌ثباتی شغلی است. جایی که افراد به دنبال احساس امنیت و معنا در کار خود هستند. اما به گفته مشارکت‌کنندگان در اکثر موارد کار مرتبط با رشته تحصیلی خود ندارند یا به دلیل حقوق و درآمد ناچیز تمایل به ادامه کار خود ندارند. از طرفی خیلی از کارکنان معتقد بودند که به‌عنوان نیروی کار قراردادی هستند و هر لحظه ممکن است به هر دلیلی کارشان را از دست بدهند. در این زمینه چالش‌های شغلی زنان شاغل نیز حائز اهمیت

است. نبود امنیت شغلی، مشکل نگهداری فرزند در محیط کار، نبود مهدکودک مطلوب در نزدیکی محل کار یا عدم دریافت حمایت از والدین در محیط‌های شهری امروز از دغدغه‌های زنان شاغل می‌باشد. این موارد تبعات روانی زیادی برای کارکنان دارد و به عنوان مانعی در تصمیم به فرزندآوری می‌باشد. در این زمینه امیر (۳۸ ساله، بی‌فرزند، با تحصیلات کارشناسی) می‌گوید:

«من با این وضع اقتصادی و با این کاری که دارم می‌کنم نمی‌تونم واقعا نمی‌تونم از پس خرج زندگی بریام یه جورایی. بعد بخوام فکر کنم که یه بچه بیارم تو این زندگی با این شرایط اقتصادی. من می‌تونم نخورم ولی نمی‌تونم ندم به بچه. منی که هر ماه سر ماه میشه دغدغه دارم پول بگیرم برای کرایه خونه، برای این قسط اون قسط، واسه بیمه، واسه فلانم نمیدونم یه بچه بیاد چه بلایی سر روح و روان من میاد؟ ثبات کاری هم نداریم. امسال از اون اولش که شروع شده افتضاح بوده اصلا کار نیست. یه موقع اینقدر زیاده مجبوری رد کنی و حرص می‌خوری و یه موقع هم که کار نیست و حرص می‌خوری».

استراتژی‌ها

استراتژی‌ها اقدامات اتخاذ شده در پاسخ به پدیده محوری و مرکزی هستند. کنش‌ها و استراتژی‌های استخراج شده در این بخش شامل: ترس از چالش‌های اقتصادی فرزندآوری و کمال‌گرایی در تأمین نیازهای فرزند می‌باشد. در مورد ترس از چالش‌های اقتصادی فرزندآوری، مشارکت‌کنندگان تحقیق معتقد بودند که شرایط زندگی و فرهنگی در جامعه امروزی قابل مقایسه با گذشته نیست. در گذشته با وجود امکانات کمتر و حتی خانه‌هایی بدون اتاق مجزا، خانواده‌ها حداقل صاحب ۴ فرزند می‌شدند چرا که قدیمی‌ها داشتن فرزند را سرمایه‌ای می‌دانستند که در آینده به آن‌ها کمک می‌کند. اما امروزه این نگرش تغییر یافته است و زوجین مشکلات اقتصادی و اجتماعی و چالش‌های اقتصادی را یکی از موانع فرزندآوری می‌دانند. برای مثال هاجر (۴۱ ساله، تک‌فرزند، با تحصیلات دیپلم) از دغدغه‌هایش در این زمینه این‌گونه روایت می‌کند:

«من خودم فرزند دوم رو به همین خاطر نیارم. تورم که خیلی بالاست، توقعات هم که بالاست و دیگه مثل گذشته نیست که آدم به کم قانع باشه خدا می‌رسونه. الان خرج تحصیل خودش معضله. مدرسه دولتی که خوب نیست غیرانتفاعی خوب هم هزینه‌اش بالاست. تازه بماند فردا روزی که ماشین می‌خوان و خونه می‌خوان و که دیگه هیچی. شرایط اقتصادی برامون واقعا مهیا نیست. من الان کلاس تابستونه یا بچه رو نباید ببرم که نمیشه، بچه تو خونه تنها تو آپارتمان همش حوصله‌اش سر میره، کلاس هم ببرم هزینه‌ها سرسام‌آور».

خب واقعا سخته وقتی شرایطش رو ندارم برای چی یه موجودی رو بیارم و بگم شرایط اینه و سخته و این حرف‌ها. برای چی واقعا؟ خب الان دیگه مثل گذشته نیست و مردم به یه آگاهی و بلوغ رسیدن و با فکر کار می‌کنن. فرهنگ هم نسبت به گذشته عوض شده و در جامعه فعلی ما مسئولیت اقتصادی و تربیتی بچه واقعا کار سخت و بزرگیه و با ایشالا و ماشالا پیش نمیره».

مورد دوم استراتژی‌ها، کمال‌گرایی در تأمین نیازهای فرزند است. کمال‌گرایی یکی از مشکلاتی است که در جامعه فعلی بیش‌تر افراد درگیر آن شده‌اند. کمال‌گرایی به شکل بیمارگونه آن یعنی داشتن معیارها و خواسته‌هایی که غیر واقع‌گرایانه هستند و انجام آن‌ها سخت و دشوار است. مشارکت‌کنندگان تحقیق معتقد بودند که برای رسیدن به بهترین خود در امر فرزندآوری در محدوده عقلانی و واقعیت تلاش می‌کنند اما با توجه به شرایط فعلی جامعه فرزندآوری را امری عقلانی نمی‌دانند زیرا خود را در تأمین نیازهای فرزند ناتوان می‌دانستند. شواهد مصاحبه‌ها صحت این امر را نشان می‌دهد. مریم (۳۵ ساله، بی‌فرزند، با تحصیلات کارشناسی‌ارشد) معتقد است:

«در گذشته خیلی آسون می‌گرفتن و تربیت بچه سخت نبود. بچه تو کوچه بزرگ می‌شد. به جایگاه اجتماعی و خلاقیت و این چیزا اهمیت نمی‌دادن اما الان اوضاع فرق کرده دیگه مثل ۳۵ سال پیش نیست و با زمان ما همه چیز متفاوت شده. اول از همه نگاه پدر و مادرها که می‌خوان بچه‌دار بشن. الان باید کلاس ورزشی بره، کلاس هنری بره، موسیقی حرفه‌ای و استعدادیابی می‌کنن و در اون زمینه بچه رو پیش می‌برن. زمان ما که این‌طور نبود همه یه شکل بودن، یه مدرسه دولتی می‌رفتن. الان سر مدرسه و همه چی رقابت شده، اصلا پرورش معنی خاصی نداشت نمی‌دونم شاید تربیت جایی نداشت و فقط خورد و خوراک و پوشاک بود اونم در حد معمولی. اما الان من می‌گم در قبال فرزندگی که بخوام بیارم مسئولم و اگه نتونم در حد عالی نیازهاش رو برآورده کنم مدیون میشم. میشه گفت نگرش به انسان تغییر کرده، زمان قدیم تو یه خونه دو تا عروس با مادر شوهر زندگی می‌کردن، اما حالا اندازه کل عمرشان باید کار کنن تا بتونن یه خونه بخرن که مستقل زندگی کنن».

پیامدها

پیامدها نتایج حاصل از به کارگیری استراتژی‌ها هستند (کرسول، ۱۴۰۰). به عبارتی نتیجه و ثمره استراتژی‌هایی که کنشگران آن را در مواجهه با شرایط زمینه‌ای، مداخله‌گر و پدیده مرکزی اتخاذ می‌کنند را می‌توان همان پیامد دانست. پیامدهای روایت شده در این قسمت شامل: بسترهای

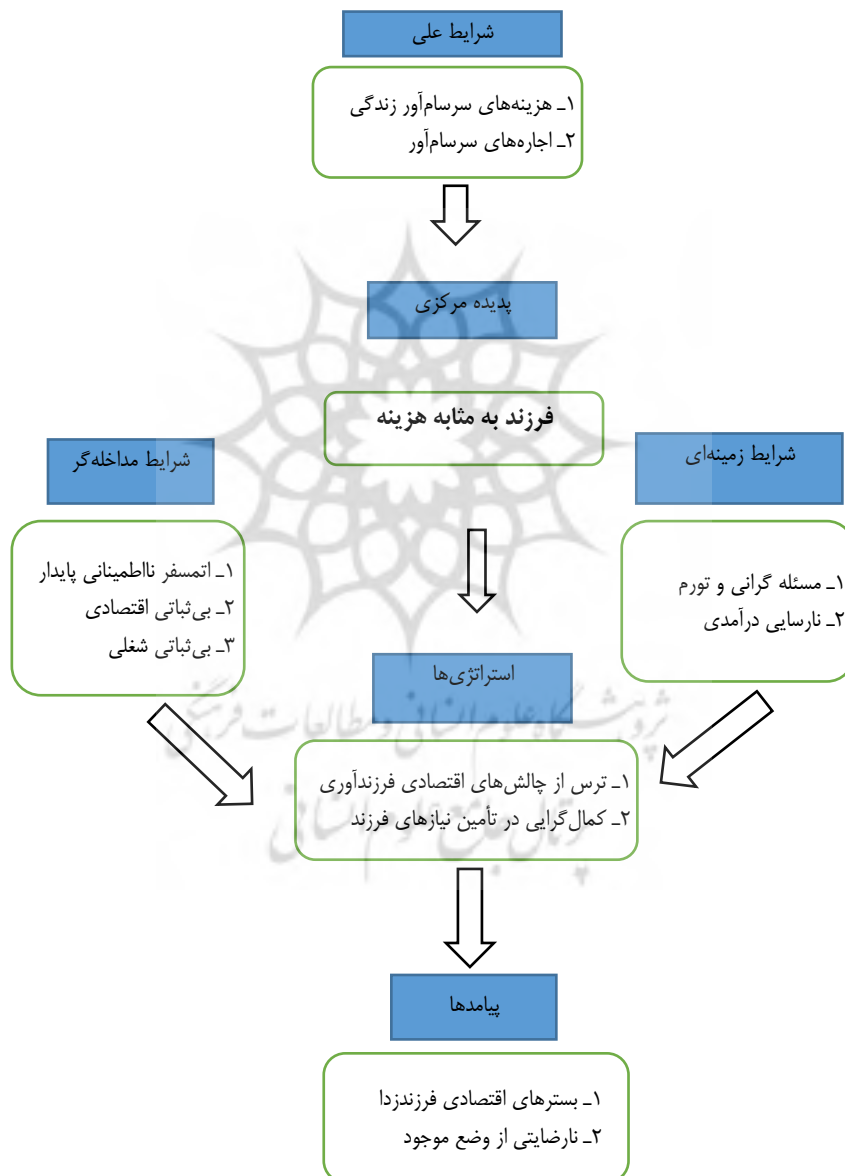
اقتصادی فرزندان و نارضایتی از وضع موجود می‌باشد. در مورد بسترهای اقتصادی فرزندان، اکثر مشارکت‌کنندگان اذعان کرده‌اند که بسترهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه به منزله ارکان اصلی آرامش خاطر زوجین، مناسب برای فرزندآوری نیست. برای مثال والدینی که دغدغه تربیت و رشد فرزندان خود در بین معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی را دارند و یا توان تأمین هزینه‌های حداقلی و نیازهای پایه خود و فرزندان را ندارند، قطعاً با تشویق‌های مقطعی و کوتاه مدت اقدام به فرزندآوری نمی‌کنند. در این زمینه مجید (۴۰ ساله، بی‌فرزند، با تحصیلات کارشناسی) می‌گوید:

«از تمام جهات، امنیت زندگی همه به خطر افتاده است. هیچ کس امنیت شغلی نداره، ممکنه فرد هر لحظه از کار بیکار بشه. حاکمیت با تحمیل مالیات‌های بی‌موقع در چندین مرحله از حقوق اندکی که داری، از حقوق مالیات کم میشه، برای هر قلم خرید مالیات کم میشه، برای اجاره‌بها مالیات، و خلاصه راه میری باید مالیات بدی. اگر این مالیات‌ها برمی‌گشت به سیستم زندگی مردم، مثلاً ثمره‌اش رو می‌دیدند، مثلاً می‌گفتن بخش درمان فلان امتیاز داده میشه، حمل و نقل رایگان میشه، تحصیلات تا فلان مقطع رایگان و ... آدم ناراحت نمیشد اما وقتی تمام هزینه‌های این جامعه را با مالیات‌ها پرداخت میشه و لی هیچ بازخوردی برای شما نداره قطعاً آدم سرخورده میشه».

مورد دوم پیامدها، نارضایتی از وضع موجود می‌باشد. امروزه نارضایتی از شرایط موجود همه‌گیر و شامل موارد متعدد و مختلفی شده است. یکی از این موارد ناخشنودی مربوط به گرانی و تورم و در کل مشکلات اقتصادی در جامعه می‌باشد. از نظر مشارکت‌کنندگان چیزی که این نارضایتی‌ها را گسترده و تعمیق کرده است، فقدان اراده برای فائق آمدن بر مشکلات و برطرف کردن آن‌ها توسط متولیان امر است. به‌گونه‌ای که امیدی به بهبود وضعیت موجود ندارند و به عبارتی چشم‌انداز روشنی برای‌شان متصور نیست و این خود زمینه‌ای برای ترس از فرزندآوری شده است. در این مورد مریم (۳۶ ساله، تک‌فرزند، با تحصیلات کارشناسی ارشد) معتقد است:

«وقتی من برای خودم آینده‌ای نداشتم و برای خودمون نتونستن آینده‌ای رقم بزنن خب معلومه برای بچم هم نمی‌تونن. یکی از دلایل زیاد شدن آمار مهاجرت همینه دیگه، همین قدر که نمی‌تونن ثبات درست کنی، هر روز گرونی، تورم و ... درست که همیشه هیچ، روزه به روز داره بدتر هم میشه و هیچ امیدی هم واقعا نیست به اصلاح این وضعیت. بعد مجبور میشی بچه‌ات رو بفرستی بره دیگه. اگه خودت می‌توننی بری که چه بهتر اگه نتونی بری بچه‌ات رو می‌فرستی میره و به فکر فرزند بعدی هم نمی‌افتی».

فرایند یافته‌های تحقیق به صورت مدل پارادایمی طراحی شده قابل بررسی است. به واسطه مدل پارادایمی که از پنج قسمت شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها یا همان کنش/کنش متقابل و پیامدها تشکیل شده است؛ می‌توان جریان فرایندها و فعالیت‌های مستقر در بستر مطالعه را نشان داد. فرایندهای طی شده در بستر این پژوهش نشان می‌دهد پدیده مرکزی «فرزند به مثابه هزینه» بوده است.



شکل ۱. الگوی پارادایمی پژوهش

نتیجه‌گیری

این مطالعه بر آن بود تا به شناسایی بسترهای اقتصادی که منجر به ترس از فرزندآوری در زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند در شهر اصفهان به‌عنوان یکی از بسترهای باروری پایین می‌شود، بپردازد. زمینه ورود به این موضوع از آنجا شکل گرفت که در ادبیات باروری، به نقش بی‌بدیل زمینه‌ها و شرایط اقتصادی جامعه به‌خصوص ناامنی اقتصادی، در شکل بخشیدن به باروری پایین تأکید شده است. به نظر می‌رسد که طی دهه‌های اخیر مشکلات اقتصادی پاشنه آشیل فرزندآوری می‌باشد. به همین دلیل پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال بود که عوامل اقتصادی چگونه رفتارهای فرزندآوری را بر ساخت می‌کند؟

ماهیت موضوع موجب شد روش کیفی برای شناخت ابعاد معنایی این موضوع به کار گرفته شود. با استفاده از رویکرد کیفی و روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای و نمونه‌گیری هدفمند، ۳۰ مصاحبه‌ی عمیق با زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند، انجام شد. با انجام مصاحبه‌ها و استخراج کدهای مفهومی از متن مصاحبه‌ها، مجموعه‌ای از مفاهیم و مقوله‌ها به دست آمد.

یافته‌ها، زمینه‌های تغییر تمایل به باروری را تحت تأثیر عوامل اقتصادی در زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند، نشان می‌دهد. بر پایه یافته‌های میدانی این پژوهش، ۷۶ مفهوم، ۲۸ مقوله فرعی، ۱۲ مقوله اصلی و یک مقوله هسته استخراج شد. از مقولات اصلی تحقیق، مدل پارادایمی استخراج شد که شامل پدیده مرکزی، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها می‌باشد. این مدل پارادایمی جریان فرایندها و فعالیت‌هایی را که در بستر این مطالعه بود، نشان می‌دهد. شرایط علی به دست آمده از مقولات اصلی پژوهش هزینه‌های سرسام‌آور زندگی و اجاره‌های سرسام‌آور بود. در همین رابطه برخی مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که تأمین هزینه‌های سرسام‌آور زندگی برای‌شان دشوار است. اجاره خانه، تهیه مایحتاج آن و هزینه‌های درمانی و هزینه‌های تحصیلی انگیزه فرزندآوری را از آنان گرفته است.

از جمله عوامل مداخله‌گری که در تغییر رفتار باروری زوجین بی‌فرزند و تک‌فرزند مؤثر بوده‌اند، اتمسفر نااطمینانی پایدار، بی‌ثباتی اقتصادی و بی‌ثباتی شغلی می‌باشد. مشارکت‌کنندگان تحقیق معتقد بودند که شرایط بی‌ثبات پایدار اقتصادی در کشور موجبات ترس از فرزندآوری را فراهم کرده است. شرایط زمینه‌سازی که منجر به تغییر رفتارهای باروری زوجین شده است مسئله گرانی و تورم و نارسایی درآمدی است. امروزه زوجین با توجه به گرانی‌ها و درآمدهای حداقلی از فرزندآوری فاصله گرفته و عطایش را به لقایش می‌بخشند و کم‌فرزندآوری را ترجیح می‌دهند. همچنین استراتژی‌های پژوهش شامل: «ترس از چالش‌های اقتصادی فرزندآوری» و «کمال‌گرایی در تأمین نیازهای فرزند» است. پیامد چنین استراتژی‌هایی بسترهای اقتصادی

فرزندزدا و نارضایتی از وضع موجود می‌باشد. جریان فرایندها و فعالیت‌هایی که در بستر این مطالعه بود نشان می‌دهد که پدیده مرکزی در این مطالعه «فرزند به مثابه هزینه» می‌باشد.

چارچوب نظری مطالعه، برگرفته از تبیین‌های عقلانیت اقتصادی، ناامنی اقتصادی (نظریه اجتناب از خطر) و تغییر انتظارات اقتصادی افراد (نظریه فاصله بین منابع و انتظارات اقتصادی) بود. طبق این نظریه‌ها، تحت تأثیر تغییرات وسیع اجتماعی ناشی از فرایند جهانی شدن و افزایش دستاوردهای نوسازی، و همچنین، نظام سرمایه‌داری جدید، از طرفی انتظارات و توقعات در زندگی بالا رفته، از طرف دیگر، امنیت اقتصادی افراد پایین آمده است. لذا زمانی که افراد منابع پیشروی خود برای برآوردن انتظارات اقتصادی خانواده را محدود ببینند، سعی می‌کنند با محدود کردن بُعد خانواده به انتظارات متعارف خود جامعه عمل بپوشند. در واقع، تحت شرایطی که انتظارات و توقعات خانواده‌ها بسیار بالا رفته، ولی ثبات و دوام اقتصادی به حداقل خود رسیده و ناامنی اقتصادی در سراسر زندگی شغلی مشهود است، افراد تحت یک مکانیسم مدیریت رفتاری، به جای فرزندآوری (بیش‌تر)، سعی می‌کنند با دستیابی به مراتب تحصیلی بالاتر و شرایط اقتصادی باثبات‌تر، از ریسک فرزندآوری و فرزندآوری بیش‌تر اجتناب ورزند. البته، در پذیرش این‌گونه رفتارها، عوامل و ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی- فرهنگی افراد تعدیل کننده خواهد بود (عباسی شوازی و خانی، ۱۳۹۳: ۶۱).

یافته‌های این مطالعه حاکی از تأثیرگذاری عوامل اقتصادی در امر فرزندآوری زوجین بود و نشان داد که احساس ناامنی اقتصادی و اجتماعی و رشد فرایندها هزینه‌های فرزند از جمله هزینه‌های تحصیلی و از طرفی هزینه‌های سرسام‌آور زندگی، شرایطی را به وجود آورده که زوجین با تعریف فرزندآوری به مثابه تعهدی بلندمدت و مسئولیتی الزام‌آور، تمایل به دوری از فرزندآوری دارند. شرایط فعلی جامعه باعث شده که زوجین با تأمل درباره آینده فرزندان و با تأکید بر کیفیت به جای کمیت، بی‌فرزندی و تک‌فرزندی و فرزندآوری باز اندیشانه را به عنوان یک کنش عقلانی انتخاب کنند، که این یافته با مدل اقتصادی بکر (۱۹۸۱) همسویی دارد، جایی که او مفهوم مبادله کمیت و کیفیت را مطرح می‌کند- یعنی هر چه هزینه پرورش یک کودک (مثلاً هزینه‌های تحصیل) افزایش یابد، والدین ممکن است ترجیح دهند فرزندان کمتری داشته باشند اما سرمایه‌گذاری بیشتری بر آن‌ها انجام دهند.

از طرفی از نظر بکر، والدین در تصمیمات اقتصادی خود، نه تنها به رفاه شخصی‌شان، بلکه به رفاه فرزندانشان نیز فکر می‌کنند که این امر نیز باعث کاهش فرزندآوری می‌شود که زوجین بی‌فرزند در چنین شرایطی تمایلی به داشتن فرزند ندارند چون رفاهی و آینده‌ای برای فرزند نمی‌بینند و زوجین تک‌فرزند نیز تمایلی به فرزند دوم ندارند. این موضوع در سرمایه‌گذاری روی تحصیلات، سلامت و تربیت کودکان مشهود است.

نتایج این مطالعه با بسیاری از بنیان‌های نظری، به‌ویژه نظریه اجتناب از خطر همسویی دارد. جامعه امروز ایران به‌طور کلی و شهر اصفهان به‌طور خاص، یک جامعه شهری شده است. عناصر نوسازی در این جامعه به شدت گسترش یافته است. آگاهی افراد از طریق تحصیلات و همچنین، ارتباطات افزایش یافته است. بنابراین، انتظارات و توقعات هم تغییر کرده و بسیار بالا رفته است. اما، واقعیات هم‌تراز با انتظارات نیست و منابع در اختیار خانواده‌ها و افراد برای برآوردن خواسته‌ها و تمایلات تغییر یافته‌شان بسیار محدود است. در واقع، علاوه بر تغییر انتظارات، مسائل فراوان اقتصادی جامعه مانند بیکاری، گرانی، رکود و ... به شدت احساس ناامنی و نگرانی اقتصادی افراد را بالا برده است. لذا، در این شرایط احتمال بیشتری دارد که خانواده‌ها به تأخیر فرزندآوری و فرزندآوری کمتر، مبادرت ورزند.

دغدغه‌های اقتصادی، بی‌ثباتی شغلی که خانواده‌ها با آن مواجه هستند، نگرانی از افزایش مشکلات اقتصادی با آوردن فرزند دیگر، هزینه‌های زیاد داشتن فرزند بنابر یافته‌های این پژوهش و به تأیید پاره‌ای مطالعات انجام شده (شمس‌قهفرخی و همکاران، ۱۴۰۱؛ حمیدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۵؛ سوبوتکا و همکاران، ۲۰۱۱) یکی از عوامل در تغییر رفتار باروری بوده است. با تحلیل یافته‌ها می‌بینیم درست است که مسائل و مشکلات اقتصادی در جامعه وجود دارد اما مسئله فرزندآوری دارای ابعاد متفاوتی است که تنها منوط به مشکلات اقتصادی نیست. زیرا زوجینی وجود دارند که با وجود شرایط اقتصادی مطلوب تمایلی به فرزندآوری ندارند و به اذعان برخی مشارکت‌کنندگان شاید با شرایط اقتصادی که الان دارند کسی بتواند ۵ فرزند را اداره کند اما برخی از زوجین آرمان‌گرایانه به این قضیه نگاه می‌کنند. می‌توان گفت با تغییر عمیق در باورهای افراد رو به رو هستیم که ساختار ذهنی و پیوندی آنان در رابطه با فرزند را به‌طور کل متفاوت از گذشته ساخته است. امروزه زوجین به حداقل‌ها راضی نیستند و به این فکر می‌کنند که چه‌طور می‌توانند آینده خوب برای فرزند بسازند و شاید عده‌ای به دنبال این هستند که چیزهایی که خود از آن محروم بودند برای فرزندانشان فراهم کنند. این نشان می‌دهد که حتی در تأثیر عوامل اقتصادی بر فرزندآوری نیز با نوعی تغییر نگرش در زوجین مواجه هستیم که با احتیاط به وادی فرزندآوری وارد می‌شوند و اگر هم یک فرزند دارند به همان اکتفا می‌کنند. بدیهی است که مقاله حاضر ادعا ندارد که با تقلیل‌گرایی، هزینه‌های اقتصادی را تک علت کم‌فرزند معرفی نماید. چراکه رفتار کم‌فرزند، دارای ابعاد متعدد اجتماعی، فرهنگی، روانشناختی است و دامنه تأثیر این ابعاد و عوامل در بین گروه‌ها و لایه‌های اجتماعی مختلف می‌تواند بسیار متفاوت باشد. در کنار عامل اقتصادی، فرهنگ به جا مانده از سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ با عنوان «فرزند کمتر، زندگی بهتر» که در جامعه طنین انداز شد، هنوز در ذهن بسیاری از افراد طنین و انعکاس دارد. پیچیدگی مضاعف دیگر تصمیم‌های رفتاری در زمینه فرزندآوری، آن است که خواسته‌ها، دیدگاه‌ها و محدودیت‌های دست‌کم دو نفر (زن و شوهر) در شکل‌دهی به آن مؤثر است.

پیشنهادهای سیاستی و پژوهشی مبتنی بر یافته‌های تحقیق

- ایجاد ثبات اقتصادی و شغلی
- کمک هزینه‌های فرزندآوری؛ بارداری و زایمان
- جلب مشارکت مردم در درک مسئله جمعیت

منابع

- آقایاری‌هیر، ت.، فرخی‌نگارستان، م. و لطیفی‌مجزه، س.ص. (۱۳۹۵)، فرزندآوری به مثابه مخاطره (مطالعه کیفی زمینه‌های کم‌فرزندى در شهر تبریز)، *مطالعات راهبردى زنان*، ۱۹ (۷۳)، ۷-۳۳.
- افشانی، س.ع.، ابویی، آ. و روحانی، ع. (۱۴۰۱). تجربه زیسته زنان نابارور از مسئله بی‌فرزندى. *زن در توسعه و سیاست*، ۲۰ (۱)، ۱-۲۱.
- جعفرزاده، ب.، اکبری‌فرد، ح. (۱۳۹۱)، *اقتصاد پول و بانک*، تهران: نور علم
- حمیدی‌فر، م.، کنعانی، م.ا. و عبادالهی‌چندانق، ح. (۱۳۹۵)، جامعه در مخاطره و فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۱ (۲۲)، ۱۰۲-۱۳۶.
- خواجه‌نوری، بیژن، روحانی، علی، و هاشمی، سمیه. (۱۳۹۱). گرایش به حجاب و سبک‌های متفاوت زندگی، مطالعه موردی: زنان شهر شیراز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۳ (۳)، ۱۴۱-۱۶۶.
- سازمان ثبت احوال کشور. (۱۴۰۳)، درگاه آمارهای انسانی: داشبورد واقعه ولادت - ۱۴۰۲، تهران: <https://sabteahval.ir> (در تاریخ ۲۷ بهمن ۱۴۰۳) از: <https://sabteahval.ir>
- شرعیاتی، ل.، عسکری‌ندوشن، ع.، روحانی، ع. (۱۳۹۹). فرزندپذیری در آینه دیگران مهم: مطالعه‌ای داده‌بنیاد از فرآیند مواجهه والدین با فشارهای هنجاری فرزندپذیری، نامه انجمن جمعیت‌شناسی، ۱۵ (۳۰)، ۲۰۱-۱۶۷.
- شمس‌قهفرخی، ف.، عسکری‌ندوشن، ع.، عینی‌زیناب، ح.، روحانی، ع. و عباسی‌شوازی، م.ج. (۱۴۰۱)، در دوراهی تصمیم به فرزندآوری: واکاوی چالش‌های فردی و اجتماعی فرزندآوری در بستر باروری پایین در شهر اصفهان، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۳ (۴)، ۱-۲۸.
- شمس‌قهفرخی، ف.، عسکری‌ندوشن، ع.، زیناب‌عینی، ح. و روحانی، ع. (۱۴۰۲)، کاربست روش‌شناسی کیو در شناسایی الگوهای ذهنی مردم در مورد فرایند فرزندآوری، *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۴ (۱)، ۲۳۵-۲۱۱.
- عسکری‌ندوشن، ع. و رازقی‌نصرآباد، ح. (۱۴۰۲)، از تمایل تا أخذ تصمیم: فهم تصمیم‌ها و الگوهای کنش فرزندآوری زنان شاغل در شهر تهران، *تأمین اجتماعی*، ۱۹ (۱)، ۴۴-۱۳.

- عباسی شوازی، م.ج.، رازقی نصرآباد، ح. و حسینی چاووشی، م. (۱۳۹۹)، امنیت اقتصادی- اجتماعی و قصد باروری در شهر تهران، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۲۹/۱۵، ۲۱۱-۲۳۸.
- عباسی شوازی، م.ج. و خانی، س. (۱۳۹۳)، ناامنی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنندج، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۷(۱)، ۳۷-۷۶.
- علیمرادیان، م.، رازقی نصرآباد، ح.، علی‌مندگاری، م. و عسکری‌ندوشن، ع. (۱۴۰۱)، تأخیر در تولد فرزند دوم: تحلیل دوره ماندگاری در وضعیت تک‌فرزندی در شهر خرم‌آباد، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۷(۳۴)، ۱۱۱-۷۳.
- کانتور، پ. و کاکس استفن، الف. (۱۳۹۴)، *ادبیات و اقتصاد آزادی* (ترجمه سلما رضوان‌جو)، تهران: دنیای اقتصاد.
- کرسل، ج. (۱۴۰۰)، *پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی و ...)*، (ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی)، چاپ پنجم، تهران: صفار.
- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۰)، *محاسبه باروری کل با روش مستقیم با منابع مختلف داده به تفکیک استان* ۱۳۹۵-۹۹، ۱۴۰۱/۲/۱۳ (<https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1400/barvari.pdf>)
- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۱)، *میزان باروری به تفکیک ایران و ایرانی و استان ۱۴۰۰-۱۳۹۶*، در دسترس از: <https://amar.org.ir/population-and-migration#28514>
- محمودیان، ح.، محمدپور، ا. و رضایی، م. (۱۳۸۸)، زمینه‌های کم‌فرزندآوری در استان کردستان: مطالعه موردی شهر سقز، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۸(۴)، ۸۵-۱۲۲.
- میرزایی، م. و عسکری‌ندوشن، ع. (۱۳۸۵)، برنامه‌های توسعه، رویدادهای سیاسی بین‌الملل و جهت‌گیری مباحث جمعیت‌شناسی در قرن بیستم، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱(۲)، ۸۱-۱۰۳.
- Abbasi-Shavazi, M.J., McDonald, P. and Hosseini-Chavoshi, M. (2009) *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*. Springer.
- Brough, M., & Sheppard, P. (2022). Fertility decision-making in the UK: Insights from a qualitative study among British men and women. *Social Sciences*, 11(9), 409.
- Bühler, C. and E. Fratzak (2007). "Learning from Others and Receiving Support. The impact of Personal Networks on Fertility Intentions in Poland", *European Societies*, 9(3): 359-382.
- Becker, G. S. (1960) "An Economic Analysis of Fertility", In National Bureau of Economic Research (Ed.), *Demographic and Economic Change in Developed Countries*, Pp. 209-240, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Becker, G. (1981). A Treatise on the Family, Enlarged Edition, Harvard University Press, Cambridge
- Butz, W. P., & Ward, M. P. (1979). Will US fertility remain low? A new economic interpretation. *Population and Development Review*, 663-688.

- Caldwell, J. C. (2006). *The globalization of fertility behavior in demographic transition theory* springer, Dordrecht
- Easterlin, R. A. (1976) "The Conflict between Aspiration and Resources", *Population and Development Review* 2: 418-425.
- Freedman, D. (1976) "Fertility, Aspirations, and Resources: A Symposium Hypothesis: Introduction", *Population and Development Review*, 2(3/4): 411-415
- Fiori, F., Rinesi, F., Pinnelli, A., and S. Prati (2013) "Economic Insecurity and the Fertility Intentions of Italian Women with One Child", *Population Research and Policy Review*, 32(3): 373-413.
- Hodgson, D., & Watkins, S. C. (1997). Feminists and Neo-Malthusians: Past and Present Alliances. *Population and Development Review*, 23(3), 469–523.
- Kreager, P. (1997), *Population and Identity In: D. Kertzer and T. Fricke, (eds), Anthropological Demography: Towards a New Synthesis*, (pp: 139-173), Chicago: University of Chicago Press.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage Publication.
- McDonald, P. (2006) "Low Fertility and the State: The Efficacy of Policy", *Population and Development Review*, 32(3): 485-510.
- McDonald, P. (2002) "Sustaining Fertility through Public Policy: The Range of Options", *Population (English Edition)*, 57(3), 417-446.
- McDonald, P. (1996) "Demographic Life Transitions: An Alternative Theoretical Paradigm", *Health Transition Review*, Supplement 6: 385-392.
- Mincer, J. (1963). *Market prices, opportunity costs, and income effects*. Measurement in Economics, 67-82.
- Perelli-Harris, B. (2008). "Ukraine: on the border between old and new." Childbearing Trends and Policies: Country Case Studies, edited by Tomas Frejka, Jan Hoem, and Laurent Toulemon. *Demographic Research*. 19:29. 1145 – 1178
- Sobotka, T., Skirbekk, V., & Philipov, D. (2011). Economic recession and fertility in the developed world. *Population and development review*, 37(2), 267-306.
- UN-DESA [United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division] (2019). *World Population Prospects 2019: Highlights* (ST/ESA/SER.A/423)
- Wilson, C. (2001). On the scale of global demographic convergence 1950–2000, *Population and Development Review*, 27 (1), 155-17.